

نماز جمعه در اندیشه فقهای مذاهب اسلامی

□ سید محمدتقی موسوی *

چکیده

نماز جمعه یکی نمادهای همبستگی مسلمانان شناخته می‌شود. با توجه به مسائل سیاسی- اجتماعی خطبه‌های، نماز جمعه به نماز عبادی سیاسی نیز مشهور شده است نماز جمعه در فقه امامیه دارای احکام مخصوص به خودش می‌باشد و در بین اندیشمندان فقهای مذاهب مختلف اسلامی، اختلافاتی در این احکام وجود دارد بسیاری از فقهای ادوار میانی و متأخر شیعه به فتوای وجوب تخییری قائل‌اند و بعضی از فقهاء هم که در وجوب نماز جمعه تشکیک کرده‌اند و احتمال حرمت داده‌اند بر همین اساس است که نماز جمعه اختصاص به امام معصوم یا إذن خاص از قبیل او دارد حنفیان اجازه عام سلطان را برای حضور مردم در مسجد جامع برای اقامه نماز جمعه لازم دانسته‌اند فقه شافعی نماز جمعه را منصب نمی‌داند، برخلاف پیشوای مذهب مالکی که منصبیت مطلق را با صراحت نفی نمیکرد چهار مذهب فقهی معروف اهل سنت اتفاق نظر دارند که برای امامت جمعه، عدالت شرط نیست عدالت در امامت جماعت و جمعه، از مسلمات و اجماعیات فقه شیعه است. کلیدواژه‌ها: نماز جمعه، واجب عینی، تشکیک، قرآن، سنت.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عبادات اسلام نماز جمعه است که دارای جهات گوناگون و مختلف عبادی، سیاسی و اجتماعی است همچنین امام خمینی علیه السلام در اهمیت آن می‌فرماید: اسلام دین سیاست است، دینی که در احکام آن سیاست به وضوح دیده می‌شود هر هفته یک اجتماع بزرگ تشکیل می‌شود تا نماز جمعه که مشتمل بر دو خطبه است و در آن باید مسائل روز و احتیاجات کشور از هر جهت طرح شود، برپا گردد؛ اسلام مردم را برای مقاصد بزرگ به این اجتماعات دعوت کرده است نماز جمعه منشا آثار و برکاتی می‌گردد آثاری چون تقویت روح هم‌بستگی اسلامی و رشد ابعاد اجتماعی اسلام ایجاد وحدت و الفت بیشتر میان مسلمانان؛ اصلاح و تزکیه فرد و جامعه با اطلاع‌رسانی عمومی؛ تأکید بر وعظ و آموزش احکام اسلامی؛ و مطرح کردن مسائل مهم اجتماعی و سیاسی است این عبادت در فقه اسلامی دارای احکام مخصوص به خود می‌باشد که البته بین فقهای مذاهب مختلف اسلامی، اختلافاتی در این احکام وجود دارد. نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه السلام از نظر بسیاری از فقها از جمله امام خمینی علیه السلام واجب تخییری است، یعنی انسان مخیر است که میان نماز ظهر یا نماز جمعه یکی را انتخاب کند. این پژوهش به بررسی نماز جمعه از دیدگاه فریقین پرداخته است در مرحله نخست مفهوم شناسی و پیشینه نماز جمعه از دیدگاه فریقین را بررسی نموده در مرحله بعد حکم و جوب نماز جمعه را از منظر فقهاء و اکاوی نموده و در نهایت به مباحث همچون منصب بودن نماز جمعه و عادل بودن امام جمعه از دیدگاه مذاهب خمسہ پرداخته است

مفهوم شناسی

اهل لغت، جمعه را این‌گونه معنا کرده اند (الجمعة الاجتماع الألفة المجموعة) جمعه به معنای مجموعه ای به هم پیوند خورده و هماهنگ می‌باشد. در لغت فارسی، جمعه را «آدینه» می‌گویند. در مورد علت نام‌گذاری «جمعه» گفته اند: نام اولیه جمعه، «عروبة» بوده است، سپس به تدریج، این روز «جمعه» نامیده شد. علامه طباطبائی می‌نویسد: وکان یسمی اولاً یوم العروبة ثم غلب علیه اسم الجمعة؛ (طباطبائی، تفسیر المیزان، بی تا: ۱۹/ ۲۷۳) ابتدا روز جمعه،

«عروبه» نام داشت، سپس نام جمعه بر آن غلبه یافت. در روز «عروبه» مردم در معابد، جهت انجام دادن نیایش‌های ویژه ای اجتماع می کردند. راغب در مفردات می نویسد: و قولهم يوم الجمعة لاجتماع الناس للصلاة (راغب، مفردات فی غریب القرآن، بی تا: ۹۷) و آنان که جمعه را جمعه گفته اند به این جهت است که مردم برای نماز اجتماع کنند. و اولین کسی که آن را «جمعه» نامید، کعب بن لؤی بود که در آن روز مردم نزد او اجتماع می کردند، به علت اجتماع مردم «جمعه» نامیده شد. ابن سیرین گفته است، اهل مدینه پیش از آمدن رسول اکرم ﷺ در مدینه، و پیش از نزول سوره جمعه، بین خود می گفتند یهود در يك روز جمع می شوند. (سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، ترجمه، بی تا: ۱۹۲/۱)

پیشینه نماز جمعه در کتب فقهی فریقین

در منابع فقهی مذاهب اسلامی فصلی از مبحث نماز (کتاب الصلوة) به موضوع نماز جمعه اختصاص دارد. (مالک بن انس، الموطأ، ۱۴۰۱: ۱۱۲/۱۰۱/۱؛ شافعی، الام، بی تا: ۲۰۹/۱۸۸/۱؛ کلینی، کافی، ۱۴۰۱: ۳، ۴۲۸/۴۱۸؛ شیخ صدوق، المقنع، ۱۴۱۵: ۱۴۸/۱۴۴؛ عسقلانی، فتح الباری، ۱۴۱۸: ۲/۵۴۴/۴۵۰). نیز نگارش آثار فقهی و رساله‌های مستقل درباره نماز جمعه، به سبب جایگاه مهم این عبادت، از قرون اولیه متداول بوده است. در دوره صفویه و در پی رواج اقامه نماز جمعه در ایران رساله‌نویسی در این باره جدی‌تر شد (جعفریان، نماز جمعه: زمینه‌های تاریخی، ۱۳۷۲: ۳۷). بسیاری از فقهای صاحب نام رساله‌هایی درباره نماز جمعه به زبان عربی و فارسی تألیف کردند که برخی از آنها در رد یا دفاع از رساله‌های دیگر بود. این رساله‌ها به لحاظ رویکرد فقهی بر چهار قسم‌اند: رساله‌هایی که در صدد اثبات وجوب عینی نماز جمعه‌اند، رساله‌هایی که جایز بودن اقامه نماز جمعه یا وجوب تخییری آن را در عصر غیبت اثبات می‌کنند، رساله‌هایی که برای اثبات حرمت نماز جمعه نگاشته شده‌اند و رساله‌هایی که نظر مؤلفان آنها دقیقاً روشن نیست (همان/۹۵/۵۸)

نماز جمعه قبل از هجرت و در سال دوازدهم بعثت در مکه تشریح شد. در این سال پیامبر اکرم ﷺ که امکان برگزار کردن نماز جمعه در مکه را نداشت، در نامه‌ای از مُصعب بن عُمیر خواست که نماز جمعه را در مدینه اقامه کند بر اساس گزارشی دیگر نخستین نماز جمعه را

أسعد بن زُرّاره در مدینه اقامه کرد، با ورود پیامبر به مدینه، نماز جمعه به امامت ایشان برگزار شد. پس از شهر مدینه اولین مکانی که در آن نماز جمعه برگزار شد روستای عبدالقیس در بحرین بود. پس از عصر نبوی بر اساس گزارش‌های تاریخی اقامه نماز جمعه در دوره خلفای نخستین و نیز در دوره حکومت حضرت علی علیه السلام (سال ۳۵-۴۰ ق) و امام حسن علیه السلام (سال ۴۰) متداول بود. برخی از روایات شیعه مانند خطبه شعبانیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پاره‌ای از خطبه‌های نهج البلاغه امام علی علیه السلام یادگار این نمازها هستند. (طبری، تاریخ الطبری، بی تا: ۳/۴۴۷/۲۷۴۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، بی تا: ۱۳/۲۵۱؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، ۱۴۰۵: ۴/۱۸۹؛ محمودی، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، بی تا: ۱/۴۲۷/۴۹۹)

قدیمی‌ترین گزارش‌های موجود درباره نماز جمعه در جوامع شیعی اقامه نماز جمعه در مسجد برآثا است (مسجد شیعیان در بغداد) در ۳۲۹ ق به امامت احمد بن فضل هاشمی بود (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۲۲: ۱/۴۳۰). و حتی در فتنه ۳۴۹ که نماز جمعه بغداد تعطیل شد وقفه‌ای در اقامه نماز جمعه در برآثا پیش نیامد، (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بی تا: ۸/۵۳۳) دیدگاه فقهان امامیه درباره حکم وجوب نماز جمعه

نماز جمعه در فقه امامیه دارای احکام مخصوص به خودش می‌باشد و در بین اندیشمندان فقهای مذاهب مختلف اسلامی، اختلافاتی در این احکام وجود دارد. فقهای شیعه برای اثبات وجوب نماز جمعه، به دلایل متعددی استناد نموده در مرحله نخست دیدگاه فقهاء مورد واکاوی قرار می‌گیرد

واجب عینی بودن نماز جمعه در نزد مشایخ ثلاثه

۱. در بیان وجوب نماز جمعه و فرض عین بودن آن از احادیث ائمه معصومین صلوات الله علیهم أجمعین مشایخ ثلاثه شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی و شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی و شیخ ابوجعفر محمد بن حسن بن طوسی - رضوان الله علیهم - در کتاب کافی و کتاب من لایحضره الفقیه و کتاب تهذیب با اسناد صحیح از حضرت امام محمد باقر - صلوات الله علیه - روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «فَرَضَ اللَّهُ عَلَي النَّاسِ» فرض کردانید حق تعالی بر مردمان «مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ» از روز جمعه تا روز جمعه «خَمْسًا وَ

ثَلَاثِينَ صَلَاةً» سی و پنج نماز را «مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ» از آن جمله يك نماز است «فَرَضَهَا اللَّهُ فِي جَمَاعَةٍ» فرض کردانید خدای تعالی آن را که در جماعت بگذارند «وَهُیَ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ» و آن نماز جمعه است «وَوَضَعَهَا عَنْ تَسَعَةٍ» و فرو گذاشت آن را از نه کس «عَنِ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ» از خوردسال و پیر سال خورد «وَالْمَجْنُونِ» و دیوانه «وَالْمُسَافِرِ» و کسی که سفر کرده باشد «وَالْعَبْدِ» و بنده «وَالْمَرْأَةِ» و زن «وَالْمَرِيضِ» و بیمار «وَالْأَعْمَى» و کور «وَمَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرَسٍ خَبِينٍ» (کافی، کلینی، ۱۳۸۸: ۳/ ۴۱۹ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ۱۴۰۴ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تحقیق سید حسن خراسان، بی تا: ۳، ۰۲).

وجوب تاخیر نماز جمعه

بسیاری از فقهای ادوار میانی و متأخر شیعه به فتوای وجوب تخییری قائل اند، از جمله مُحَقِّق حَلِّی، علامه حَلِّی، (محقق حلی، شرائع الاسلام، ۱۴۰۹، ۱: ۷۶) ابن فهد حَلِّی، شهید اول، و محقق کرکی. مراد از وجوب تخییری نماز جمعه این است که در ظهر جمعه یا باید نماز جمعه خوانده شود یا نماز ظهر. همچنین ادله دیگری مانند سیره یاران ائمه و نیز فقهای متقدم مبنی بر اقامه نکردن نماز جمعه از جمله مستندات عدم وجوب تعیینی نماز جمعه است. نظریه وجوب تخییری در میان فقهای متأخر (از قرن سیزدهم به بعد) مقبولیت یافته است و به طور کلی در میان فقهای اصولی، گرایش به نظریه وجوب تخییری نماز جمعه شایع تر است، هر چند شماری از آنان قائل به حرمت آن شده اند.

حضرت امام خمینی

نماز جمعه بطور تخییر بین آن و نماز ظهر در این زمانها (یعنی عصر غیبت حضرت صاحب العصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) واجب است و خواندن نماز جمعه افضل، و خواندن نماز ظهر احوط است، و احتیاط بیشتر خواندن هر دوی آنها است، بنابراین کسی که نماز جمعه را بخواند، بنابر اقوا نماز ظهر از او ساقط می شود، لکن احتیاط آنست که بعد از نماز جمعه، نماز ظهر را بخواند، و نماز جمعه مانند نماز صبح دو رکعت است. (تحریر الوسيلة - ترجمه؛ ۱۴۲۵: ۱/ ۴۱۹) فاقدین شرائط وجوب نماز جمعه اگر اتفاقاً در نماز حاضر شوند یا با مشقت،

خود را به آن برسانند نمازشان صحیح است و نماز ظهر بر آنها واجب نیست. هم چنین کسانی که با وجود باران یا سرمای شدید یا نداشتن پا یا عضو دیگر که موجب مشقت و اسقاط تکلیف نماز جمعه است در نماز جمعه شرکت کرده‌اند، نمازشان صحیح است. اما اگر دیوانه به نماز جمعه بپردازد نمازش صحیح نیست ولی نماز جمعه پسران نابالغ صحیح است گرچه نمی‌توانند مکمل عدد لازم پنج نفر باشند همان گونه که نمی‌توانند به تنهایی تشکیل نماز جمعه بدهند. (توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)؛ ج ۱، ص: ۸۴۵)

امام خمینی علیه السلام در اهمیت آن می‌فرماید: اسلام دین سیاست است، دینی که در احکام آن سیاست به وضوح دیده می‌شود... هر هفته یک اجتماع بزرگ تشکیل می‌شود تا نماز جمعه که مشتمل بر دو خطبه است و در آن باید مسائل روز و احتیاجات کشور از هر جهت طرح شود، برپا گردد؛ اسلام مردم را برای مقاصد بزرگ به این اجتماعات دعوت کرده است. (صحیفه نور خمینی، روح الله جلد: ۸ صفحه)

در خطبه نماز جمعه مقدرات مملکت باید بیان بشود، مسائل سیاسی که در مملکت جریان باید پیدا کند، مسائل اجتماعی که در مملکت باید جریان پیدا کند، گرفتاری‌های مسلمان‌ها، اختلافات مسلمان‌ها در آن خطبه‌ها باید طرح بشود و رفع بشود. نماز جمعه عبادت است لکن عبادتی که مدغم (ادغام شده، ممزوج) در سیاست است (خمینی، روح‌الله، صحیفه نوربی تا: ۱۲۱/۳).

مکارم شیرازی

نماز جمعه تنها توسط مردان منعقد می‌شود؛ ولی زنان هم می‌توانند در آن شرکت کنند. نماز جمعه باید به جماعت برگزار شود و نمی‌توان آن را بطور فرادا بجا آورد. همه شرایطی که در نماز جماعت معتبر است، در نماز جمعه نیز لازم است؛ مانند نبودن حائل، بالاتر نبودن جای امام، فاصله بیش از حد در میان صفوف و افراد و غیر اینها «۱» همه شرایطی که در امامت جماعت لازم است، باید در امام جمعه هم باشد؛ مانند عقل، ایمان و عدالت؛ ولی امامت زنان در نماز جمعه جایز نیست؛ هرچند در نمازهای دیگر، برای خودشان جایز باشد. کمترین فاصله لازم بین دو نماز جمعه یک فرسخ است، بنابراین اگر فاصله کمتر باشد نماز جمعه دوم

باطل است و اگر هر دو با هم خوانده شود هر دو باطل است. کمترین عدد لازم برای انعقاد نماز جمعه، پنج نفر است که باید یکی از آنها امام باشد؛ پس نماز جمعه با کمتر از پنج نفر واجب نیست و منعقد نمی‌شود؛ ولی اگر هفت نفر و بیشتر باشند، فضیلت نماز جمعه بیشتر خواهد بود. در صورت وجود شرایط لازم، نماز جمعه بر ساکنین شهرها، شهرک‌ها، حاشیه‌نشینان، روستاییان، چادرنشینان و عشایر و بیابانگردهایی که روش زندگی آنها به همین صورت است واجب تخییری است (مکارم، استفتاءات جدید بی تا: ۱۳۳/۲)

تشکیک در وجوب نماز جمعه

و بعضی از فقهاء هم که در وجوب نماز جمعه تشکیک کرده‌اند و احتمال حرمت داده‌اند بر همین اساس است که نماز جمعه اختصاص به امام معصوم یا اذن خاص از قبل او دارد. بنابراین، بدون تصدی وی یا منصوب از قبل وی حرام است و تشکیل نماز جمعه جایز نیست. در اینصورت یا اصلاً نماز جمعه خواندن حرام است، یا اگر کسی احتیاطاً نماز جمعه را بخواند باید نماز ظهر را هم بخواند؛ چون با وجود قطع به اشتغال ذمه یقین به فراغ حاصل نشده است. و فراغ ذمه در جانی حاصل می‌شود که انسان در طرفین شبهه احتیاط کند و آن، نماز جمعه و نماز ظهر است. و بعضی پا را از این فراتر گذاشته و گفته‌اند: طبق روایاتی که در دست است، در زمان غیبت فساد در عالم زیاد می‌شود و منکرات رو به فزونی گذاشته، ظلم و جور عالم را فرا می‌گیرد؛ و قیام حضرت وقتی است که زمین پر از شرک و ظلم شده باشد (ولایت فقیه در حکومت اسلام، بی تا: ۲۴/۴)

الف. قرآن

۱. یکی از دلایل که فقهاء امامیه به آن استناد نموده برای اثبات نماز جمعه آیه مبارکه نهم از

سوره جمعه است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا
الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که

برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را

رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید

در سوره جمعه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» ای کسانی که گرویده‌اید به احکام شرع «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ» چون ندا در داده شود برای نماز «مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» از روز جمعه «فَاسْعَوْا» بشتابید به صرف همگی همت و تمامی رغبت «إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» به سوی یاد کردن خدای، که نماز جمعه است و خطبه، چنان که قرینه مقام دلالت بر آن می‌کند و از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام که ذکر آن خواهد شد، مستفاد می‌گردد و از خطبه جمعه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام معلوم می‌شود و مفسران نیز بر آن اتفاق کرده‌اند «وَذَرُوا الْبَيْعَ» و بگذارید خرید و فروخت را «ذَلِكُمْ» این سعی و ترک بیع «خَيْرٌ لَّكُمْ» بهتر است شما را از معامله؛ زیرا که در آن نفع باقی اخروی است و آن بهتر است از سود فانی دنیوی «إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» اگر هستید که می‌دانید نفع را از ضرر، و تمییز می‌کنید میان خیر و شر. (مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام (فارسی) ج ۳۱، ص: ۲۳۷)

۲. در سوره منافقین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» ای گروه مؤمنان «لَا تُلْهَكُمُ» مشغول نکرده‌اند شما را «أَمْوَالِكُمْ» مال‌های شما «وَلَا أَوْلَادِكُمْ» و نه فرزندان شما «عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» از یاد کردن خدای یعنی نماز جمعه و خطبه آن، چنان که جمعی از مفسران گفته‌اند و امر بقراءة سورتین در این نماز دلالتی بر آن می‌کند «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ» و هر که بکند این کار را یعنی به مال و فرزند از حق بازماند «فَأُولَٰئِكَ» پس آن گروه «هُمُ الْخَاسِرُونَ» «منافقون/۹» ایشان زیان کارانند که به حقیر فانی بازمانند از عظیم باقی.

۳. در سوره بقره می‌فرماید: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ» محافظت نمایید بر نمازها «وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ» «بقره/۲۳۸» و به تخصیص نماز وسطی که نماز جمعه است به قول بعضی و فریضه آن وقت است به قولی دیگر که شامل نمازهای ظهر سایر ایام نیز باشد

مناقشه فقهاء در استدلال به آیه

برخی فقهاء در استناد به آیه ۹ سوره جمعه، برای وجوب اقامه نماز جمعه، مناقشه کرده و گفته‌اند که این آیه در صدد تشریح و اثبات وجوب اقامه نماز جمعه نیست، بلکه شرکت کردن در نماز

جمعه‌ای را که به شکل صحیح برپا شده، لازم دانسته و در مقام توییح کسانی است که با وجود اقامه شدن نماز جمعه صحیح، از حضور در آن خودداری می‌کنند و به تجارت یا امور دیگر می‌پردازند. (منتظری، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر، ۱۳۶۲: ۱/۶) غروی تبریزی، علی، التتقیح فی شرح العروة الوثقی، ۱۴۱۸: ۱/۱۶/۱۷).

ب: سنت

دومین دلیل که علماء فریقین به آن استناد نموده روایات است

۱. امام باقر علیه السلام به زرارة بن أعین فرمود: همانا خداوند عزّ و جلّ از هر جمعه تا جمعه دیگر سی و پنج رکعت نماز بر مردمان واجب گردانیده است و از میان این نمازها تنها یک نماز است که خداوند عزّ و جلّ فرض گردانیده که بجماعت برگزار شود و آن نماز جمعه است (صدوق، من لا یحضره الفقیه - ترجمه ۱۴۰۴: ۸۰/۲)

۲. زراره گوید: بآن حضرت (امام باقر علیه السلام) عرض کردم: نماز جمعه بر چند نفر واجب است؟ آن حضرت فرمود: هفت نفر از مسلمانان که با هم جمع شوند نماز جمعه بر ایشان واجب است، و برای کمتر از پنج نفر از مسلمانان که یکی از آنان امام باشد نماز جمعه تشکیل نمی‌شود، پس اگر هفت نفر مسلمان گرد هم آیند و ترس از اهل سنت یا سایر مخالفان نداشته باشند بعضی از ایشان دیگران را امامت می‌کند و برای آنان خطبه می‌خواند (من لا یحضره الفقیه همان)

انظار فقها اهل سنت در مورد منصب یا عدم منصب بودن نماز جمعه

۱. فقهای مذاهب مالکی، شافعی، حنبلی و ظاهری، نماز جمعه را منصب نمی‌دانند. عمده دلیل آن، امر به نماز جمعه در آیه جمعه است که در آن شرطیت سلطان مطرح نشده است. البته آیه جمعه اگر چه سایر شرایط نماز جمعه مثل عدد و مسافر نبودن را نیز ذکر نکرده است ولی آن شرایط به اجماع ثابت شده است. بنابراین، هر شرطی که اجماعی نبود، مردود شمرده می‌شود. بعلاوه، گروهی از صحابه نیز با سیره خود نشان داده اند که اذن سلطان شرط نیست؛ چنانکه حضرت علی علیه السلام در محاصره عثمان نماز خواند و حتی عثمان نیز آن را انکار نکرد. همچنین عبدالله بن مسعود در امارت ولید بن عقبه، خود مقدم شد و نماز جمعه را با مردم در

کوفه اقامه کرد و هنگامی که ولید بن عقبه فردی را برای اعتراض به سوی او گسیل داشت و به عبدالله بن مسعود پیغام داد: «ما حمل علی ما صنعت؟ أجزأ أمر أمير المؤمنين أم ابتدعت ما صنعت اليوم؟» «چه مدرکی بر کرده خود داری؟ آیا از طرف خلیفه مأمور بودی یا بدعت خود ساخته خودت بود؟» عبدالله بن مسعود در پاسخ گفت: «لم یأتنی من أمير المؤمنين أمر ومعاذ الله أن أكون ابتدعت و یأبی الله و رسوله أن تنتظر بصلاتنا و أنت فی حوائجک». (۱) «از طرف خلیفه فرمانی نرسیده بود و از بدعت به خدا پناه می برم، ولی خدا و رسولش از این که ما در انتظار اقامه نماز جمعه توسط تو باشیم، در حالی که توبه دنبال کارهای خویش می باشی، ابا دارند. (محفوظ بن احمد بن الحسن الكلوذانی الحنبلی (م ۵۱۰ ه. ق.)، الانتصار فی مسائل الکبار، ۱۴۱۳: ۲/ ۵۶۸/ ۵۶۹)،

از این رو، به عقیده برخی از حنبلیها، سیره عثمان و علی و عبدالله بن مسعود دلالت بر آن دارد که نه تنها سلطان شرط نماز جمعه نیست بلکه شرط نبودن سلطان، اجماعی است. فقهای مذاهب مالکی، شافعی، حنبلی و ظاهری، نماز جمعه را منصب نمی دانند. عمده دلیل آنه، امر به نماز جمعه در آیه جمعه است که در آن شرطیت سلطان مطرح نشده است. (همان) ۲. حنفیه

حضور سلطان برای امامت

شرط که برخی مذاهب اسلامی، از جمله حنفیان، بدان قائل اند، حضور سلطان برای امامت نماز جمعه یا نایب او یا کسی است که از سلطان اجازه اقامه نماز جمعه را داشته باشد؛ حتی حضور یا اجازه حاکم ستمگر این شرط را برآورده می سازد.

هم چنین حنفیان اجازه عام سلطان را برای حضور مردم در مسجد جامع برای اقامه نماز جمعه لازم دانسته اند. (↑ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ۱۴۰۱: ۱/ ۳۴۳، استانبول). کاسانی، ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۶۱) زحیلی، وهبه مصطفی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۷۷، دمشق، ۱۴۰۴/ ۱۹۸۴.

مستند حنفیان برای این شرط، جلوگیری از بروز اختلاف و پیروی از سیره عملی پیامبر

اکرم ذکر شده است، (سرخسی، محمد بن احمد شمس‌الائمہ، المبسوط، ۱۴۳: ۲/۱۲۰)

دیدگاه امامیه درباره حکومتی بودن نماز جمعه

شرط اجازه سلطان در فقه شیعه، البته به گونه‌ای دیگر (یعنی حضور یا اجازه امام معصوم)، مطرح بوده و بر پایه آن، جایز بودن یا نبودن اقامه نماز جمعه در عصر غیبت امام معصوم (علیه‌السلام) از موضوعات بحث برانگیز در میان فقهای امامیه شده و چند نظریه در این باره مطرح گردیده که از مهم‌ترین آنهاست: حرمت، وجوب تعیینی و وجوب تخییری. (رضانژاد، عزالدین، صلاة الجمعة، دراسة فقهية و تاريخية، ۱۴۱۵: ۱/۲۸۰).

دیدگاه عدم مشروعیت در عصر غیبت

برخی فقهای متقدم شیعه، از جمله سلّار دیلمی (سلّار دیلمی، المراسم العلویة فی الاحکام النبویة، ۱۴۱۴: ۱/۷۷) و ابن ادریس حلّی (حلّی، ابن ادریس، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۱۴۰۳: ۱/۳۰۴) و به پیروی از ایشان، بسیاری از فقهای متأخرتر از جمله فاضل هندی، مشروعیت نماز جمعه را مشروط به حضور امام معصوم یا حضور فردی دانسته‌اند که از سوی معصوم به امامت جمعه منصوب شده باشد. (فاضل هندی، کشف اللثام، بی تا: ۱/۲۴۶).

پیروان فتوای حرمت نماز جمعه، با این استدلال که حضور یا اجازه امام شرط صحت آن است و در عصر غیبت چنین اجازه‌ای وجود ندارد، برپا داشتن نماز جمعه را در این عصر جایز نمی‌دانند. (طباطبائی، علی بن محمد علی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائلی تا: ۴/۷۳/۷۵)، هم‌چنین برخی گفته‌اند که ولیّ فقیه در کارهایی که نیاز به اختیارات وسیع (بسط ید) دارد، مانند برپا کردن نماز جمعه و امر به جهاد، از سوی معصوم نیابت ندارد. (منتظری، حسین علی، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر، بی تا: ۱/۵۷/۵۸)،

ادله عدم مشروعیت

از جمله ادله مورد استناد قائلان به حرمت، احادیثی است که در آنها تعبیری مانند «امام» و «امام عدل تقی» آمده و گفته شده که مخالفت با امام در مورد نماز جمعه باعث هلاکت است، یا برپا داشتن نماز جمعه جز با حضور امام عادل و پرهیزگار صحیح نیست (نوری، مستدرک

الوسائل و مستنبط المسائل بی تا: ۱۳/۶-۱۴) نیز امامت جمعه را مقامی مخصوص برگزیدگان خدا دانسته است.

جواب از ادله عدم مشروعیت

برخی فقهای متأخرتر، منظور از تعابیر مذکور در این احادیث را امام معصوم ندانسته و آن را به مفاهیمی عام‌تر، که شامل امام جماعت نیز بشود، تفسیر کرده‌اند. به نظر آنان، در این احادیث تأکید اصلی بر لزوم به جماعت برگزار شدن بوده است (عاملی، وسائل الشیعه، بی تا: ۷/۳۱۰). از سوی دیگر، در بیش‌تر منابع متقدم فقهی شیعه، که در دسترس است، هر چند به استناد احادیث بر وجوب نماز جمعه تأکید شده، امامت امام معصوم یا نایب او به صراحت شرط نشده است. (صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق، ۱۴۱۷: ۱/۵۷۳)، با این همه، فقیهان امامی قرون بعد، از جمله شروط اقامه نماز جمعه را حضور یا اجازه سلطان عادل (مفید، المقنعة، ۱۴۱: ۱/۶۷۶) یا امام عادل بر شمرده‌اند. (علم‌الهدی، رسائل بی تا: ۱/۲۷۲) دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «احکام نماز جمعه»، شماره ۴۸۶۴).

جواز اجرت برای عمل واجب مانند نماز جمعه

یکی دیگر از اصول مذهب حنفی این است که نمی‌توان برای عمل کردن به يك واجب، کسی را اجیر کرد و یا برای انجام آن عمل اجرت گرفت. یکی از فروع این مذهب فقهی این است که عبادات و اعمال واجب دینی مانند امامت جماعت و ایراد خطبه نماز جمعه و تعلیم قرآن و دانش، باید بدون اخذ اجرت و به صورت رایگان انجام شود؛ زیرا اینها از واجبات دینی هستند. اما فقیهان متأخر این مذهب فقهی، وقتی دیدند که همت‌های مردم برای انجام این واجبات ضعیف شده و مقرری عالمان از بیت المال قطع گردیده، به طوری که آنها مجبور به کسب درآمد شده‌اند؛ برای تشویق عالمان به تعلیم قرآن و نشر علم و اقامه شعایر دینی در بین مردم، فتوا دادند که گرفتن مزد برای انجام این گونه امور جایز است. (المدخل الفقهی العام، بی تا: ۲، ش ۵۴۷).

خطبه‌های نماز جمعه

نماز جمعه با خطبه اول آغاز می‌شود و همه نمازگزاران باید دو خطبه را در حالت آرامش گوش دهند. خواندن دو خطبه، توسط خطیب جمعه، قبل از نماز، واجب است. پس از خطبه‌ها نماز شروع می‌شود. از آنجایی که نماز جمعه به جای نماز ظهر خوانده می‌شود، دو خطبه نماز به جای دو رکعت اول نماز ظهر و نماز دو رکعتی جمعه، به جای دو رکعت دیگر نماز ظهر در نظر گرفته می‌شود. در بیش‌تر موارد خطیب و امام جمعه یک نفر هستند. وقتی که امام جمعه، خطبه‌های نماز جمعه را می‌خواند، بر شرکت‌کنندگان واجب است، به خطبه‌ها گوش دهند، و سخن گفتن به هنگام ایراد خطبه‌ها مکروه است، بلکه اگر به سبب سخن گفتن، نتواند به خطبه‌ها گوش دهد، سکوت لازم است. همچنین هنگام ایراد خطبه‌ها، خواندن نماز مستحبی یا کتاب و روزنامه و انجام دادن کارهایی که مانع گوش دادن به خطبه‌ها است، خلاف است. اگر کسی به خطبه اول یا هر دو خطبه نرسد، باز هم، شرکت در نماز جمعه فضیلت دارد و جایگزین نماز ظهر می‌شود. امام جمعه در خطبه نخست به ذکر اندرزهای دینی و اخروی پرداخته و در خطبه دوم به تشریح مناسبت‌های داخلی و خارجی از دیدگاه اسلام می‌پردازد. تقسیم دو خطبه به دینی و سیاسی جائز است دو خطبه نماز جمعه قبل از ظهر شرعی ایراد شود به طوری که پایان خطبه‌ها با ظهر شرعی مصادف باشد، ولی احتیاط مستحب آن است که آنها را در وقت ظهر بخواند. (لنکرانی، رساله توضیح المسائل (فاضل)؛ ۱۴۲۶: ۲۵۲)

دیدگاه شافعی

شافعیان وجود پنج رکن را در خطبه شرط کرده‌اند: حمد خدا، صلوات بر پیامبر، سفارش به تقوا در هر دو خطبه، دعا کردن برای مؤمنان در خطبه دوم و خواندن آیه‌ای از قرآن در یکی از خطبه‌ها.

و مذهب جدید شافعی بر این است که: سخن گفتن در وقت خطبه حرام نیست، و سکوت و گوش فرا دادن سنت است، چون شیخین روایت کرده اند که: «به هنگام ایراد خطبه نماز جمعه از طرف عمر بن خطاب، عثمان بن عفان وارد مسجد شد، عمر گفت: چه شده است

مردانی را که بعد از ندای نماز جمعه وارد می‌شوند و تاخیر می‌کنند؟ عثمان گفت: ای امیر مؤمنان بعد از شنیدن اذان و ندای نماز تنها مشغول گرفتن وضو بوده‌ام». روایت شده است که پیامبر در روز جمعه مشغول ایراد خطبه بود که مردی وارد مسجد شد و سوال کرد: چه موقع قیامت می‌آید؟ مردم به وی اشاره کردند که خاموش باشد و او ساکت نشد و سخن خویش را تکرار کرد و پیامبر بعد از بار دوم به وی گفت: «وَيَحْكَمَا أَعَدَدْتَ لَهَا؟ قَالَ: حُبَّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَقَالَ: إِنَّكَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَهُ». (رواه البيهقي بإسناد صحيح). «وای بر تو برای قیامت چه چیزی تهیه دیده‌ای؟ گفت: مهر خدا و رسول خدا. پیامبر گفت: به حقیقت تو با کسی خواهی بود که دوستش داری».

دلیل این که سخن گفتن حرام نیست، این است که عثمان در جواب عمر سخن گفت، و پیامبر سوال آن مرد را انکار نکرد، اگر سخن گفتن حرام بود پیامبر آن را انکار می‌کرد. و این اختلاف در ارتباط با حرف زدن و سخن گفتنی است که غرض و هدف مهم فوری به آن تعلق نگیرد، و الا چنین سخنی نه تنها حرام نیست بلکه واجب است، مانند ارشاد و راهنمایی کوری که نزدیک است در چاه افتد، یا کژدمی ببیند که بر لباس انسانی راه می‌رود و او را از آن آگاه کند، یا ستمگری را ببیند که مردی را دنبال می‌کند و او آن مرد را آگاه سازد، یا امر به معروف و نهی از منکر کند. (خطیب شربینی، مغنی المحتاج، بی تا: ۱/۲۸۵/۲۸۷،) برخی از حنفیان صرفاً تهلیل (گفتن لا اله الا الله) و تکبیر را در خطبه نماز کافی دانسته‌اند. (ابن نجیم، البحر الرائق شرح کنزالدقائق، ۱۴۱۸: ۲/۲۶۱)

فقه شافعی دومین مذهب فقهی مهم اهل سنت است که نماز جمعه را منصب نمی‌داند، برخلاف پیشوای مذهب مالکی که منصبیت مطلق را با صراحت نفی نمی‌کرد، پیشوای مذهب شافعی محمد بن ادریس (۲۰۴ قمری) صریحاً به این مبنا اشاره می‌کند/ در مسأله‌ای با عنوان (مَنْ يَصَلِّيْ خَلْفَهُ الْجُمُعَةَ) شرایط امام جمعه چیست؟ در کتاب الام شافعی چنین آمده است (والجمعه خلف كل امام صلاها من أمير ومأمور، ومتغلب على بلدة وغير أمير، مجزئة) نماز جمعه با امامت هر کسی که آن را اقامه کند امیر باشد یا مأمور بر شهر مسلط باشد یا نباشد، مجزی است

مالکی

مالکی ها، اقامه نماز جمعه، بدون امام و سلطان را صحیح می‌شمارند به روایت سحنون بن سعید از مالک بن انس، در پاسخ اهل مغرب که پرسیده بودند: والی نداریم گفته بود: يُجَمَّعُونَ الْجُمُعَةَ وَ ان لَمْ يَكُنْ لَهُمْ وَالٍ

و لو والی نباشد، اقامه ی جمعه توسط خود مردم انجام میشود به فتوای مالک، مردم شهر و قریه‌های که امام خود را از دست داده و هنوز جانشین او معین نشده است، خودشان در روز جمعه کسی را برای اقام نماز مقدم میکنند؛ زیرا که به اعتقاد وی، نماز جمعه از فرایضی است، که هیچ عاملی نمیتواند مانع از آن شود (ان الله فی ارضه فرائض لاینقصها شی ان ولیها وال اولم یلیها...)

خدای سبحان را در زمین فریضه‌هایی است که هیچ چیز، نمی‌تواند بهانه کاستی آنها شود، هر چند والی به اجرای آن همت نگمارد.

البته ممکن است از فتوای مالک بن انس که در بالا به آن اشاره شد، استفاده شود که وی منصبی بودن نماز جمعه را تنها در ظرف فقدان والی نفی میکند، نه مطلقاً چون مورد سؤال و استفتا از دست دادن والی بوده است ولی فقهای پیرو مذهب مالکی با توجه به علّتی که در فتوای مالک ذکر شده، با صراحت فتوا داده اندگرچه نماز جمعه بدون خطبه و جماعت صحیح نیست ولی بدون

سلطان صحیح است مطلقاً

وللجمعه شروط وهی فرایضها لاتتم الا بها وهی المصبر والخطبه والجماعه والوقت والیوم وتصح الجمعه بغير سلطان ولا تصح بغير خطبه ولا بغير جماعه ولا بغير امام (القرطبی، الکافی فی فقه اهل المدینه بی تا: ۸۲) جمعه را شرایطی است که همگی فریضه میباشند و بدون تأمین آنها نماز جمعه تمام نخواهد بود اقامه در شهر، امام، ایراد خطبه، اقامه با جماعت و در ظهر جمعه شرایط حتمی آن میباشند و نماز جمعه بدون سلطان صحیح است ولی بدون خطبه، جماعت و امام جمعه صحیح نیست بنابراین، در دیدگاه فقهای مالکی، نماز جمعه، امام جمعه نیاز دارد چون قوامش به جماعت است ولی منصب سلطانی و حکومتی نیست این جزئی، یکی دیگر از فقهای مالکی نیز همین

فتوا را دارد که امام جمعه لازم نیست والی باشد (جُزی، القوانين الفقهیه، بی تا: ۱۰۳۶) نتیجه آنکه طبق مذهب مالکی، نماز جمعه منصب نیست و دلیل آن هم این است که نماز جمعه فریضه‌ای است چون سایر فرایض و دلیلی بر شرطیت سلطان که آن را مقید کند، به اثبات نرسیده است

عدالت امام جمعه در مذاهب اسلامی

عمده‌ترین اختلاف مذاهب اسلامی در باب امامت جمعه و شرایط الزامی آن، حول دو محور متمرکز است: منصب بودن و عدالت. مذاهب اسلامی در موضوع عدالت به دو گروه قابل طبقه‌بندی می‌شوند: گروه منکران عدالت برای امامت جمعه و گروه پیروان عدالت برای امامت جمعه. آنچه در پی می‌آید، گزارشی فشرده همراه با مستند فقهی نظر این دو گروه است.

گروه اول: منکران لزوم عدالت برای امامت جمعه

چهار مذهب فقهی معروف اهل سنت گویا بر این مطلب اتفاق نظر دارند که برای امامت جمعه، عدالت شرط نیست و افراد فاسق نیز می‌توانند امامت این نماز را بر عهده گیرند.

حنفیان

از نظر حنفیان، عاقل و مسلمان بودن برای امامت جمعه کافی است و با احراز این دو شرط هر شخصی ولو بنده، اعرابی، نابینا، حرام‌زاده و فاسق می‌تواند امامت جمعه کند؛ گرچه: «التقی اولی من الفاسقین؛ پرهیزگار بر فاسق ترجیح دارد». (مرورید، مصادر الفقهیه، بی تا: ۱۶/۱۶۲).

شافعیان

فتوای فقهای شافعی نیز فتوایشان این است که «تجوز الصلاة خلف الفاسق» نماز گزاردن پشت سر فاسق، مطلقاً جایز است.»

مالکیان

به مالکیها نیز همچون حنفیه و شافعیه نسبت می‌دهند که آنان امامت فاسق را برای امامت

جمعه و جماعت مجاز می‌شمارند. البته مالکیان این امر را مکروه می‌دانند؛ اگر چه فاسق برای فاسق امامت کند. (الفقه علی المذاهب الاربعه، بی تا: ۱/۴۲۹).

حنبلیان

حنبلیه‌ها برای امامت جماعت عدالت را شرط می‌شمارند، ولی در امامت جمعه و عید، به دلیل ضرورت، نماز گزاردن پشت سر فاسق را جایز دانسته‌اند. (همان)

ظاهریان

ابن حزم اندلسی نیز که فقهی ظاهری است شرط عدالت را استتکار می‌کند و آن را به خوارج نسبت می‌دهد. (ابن حزم اندلسی، وسائل، بی تا: ۳/۲۰۷/۲۰۸)

مستند فقهی گروه اول

ادله و روایاتی به عنوان مستند برای عدم لزوم عدالت در امامت جمعه ذکر شده است. این ادله عبارت‌اند از:

۱. روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «صلوا خلف من قال لا اله الا الله؛ پشت سر هم گوینده لا اله الا الله نماز گزارید.»

۲. روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «صلوا خلف کل بر و فاجر؛ پشت سر هر نیک و بد نماز گزارید.»

۳. سیره: سیره صحابه و تابعین، نماز جمعه خواندن با فاسقان بوده است. مثلاً عبدالله بن عمر، در نماز جمعه حجاج بن یوسف شرکت کرده، با وجود آنکه حجاج فاسق‌ترین مردم زمان خویش بوده است. (مروارید، همان، ج ۴، ص ۱۶۰-۱۶۲ و ج ۵، ص ۴۵/۱۵۷۲. همان، ج ۶، ص ۱۹۳۳-۱۹۳۴).

پیروان لزوم عدالت برای امامت جمعه

زیدیه و خوارج از یک سو و امامیه از سوی دیگر، بر شرط بودن عدالت در امامت جمعه تأکید می‌ورزند. در این قسمت فشرده‌ای از دیدگاه این گروه‌ها را مرور می‌کنیم.

زیدیه

عادل بودن امام جمعه، از شرایط حتمی و غیرقابل گذشت در فقه زیدیه است. آنان که امامت جمعه را منصب نیز می‌شمرند، برای مشروعیت حکومت شرایطی را عنوان می‌کنند. در نظر آنان حکومت ظالمان، فاقد مشروعیت است و ظالم و فاسق نمی‌توانند متصدی اقامه نماز جمعه باشد. خداوند می‌فرماید: «ولا تتركوا الى الذين ظلموا» (هود: ۱۱۳). در برخی روایات آمده است: «لایؤمنکم ذو جرأة فی دینه؛ افراد جسور در دین نباید معتمد و مورد اطمینان مسلمانان قرار گیرند.» در روایت دیگری می‌خوانیم: «ولایصلین مؤمن خلف فاجر؛ هیچ مؤمنی نباید به فاجری اقتدا کند.»

زیدیه طبق این ادله معتقدند: عدالت از شرایط حتمی امام جمعه و جماعت است. و این شرط از شرایط اجماعی و مورد اتفافی برای آنان به شمار می‌آید. (شرح نکت العبادات، بی تا: ۶۲/ جعفرپیشه منصب امامت جمعه و مذاهب اسلامی حکومت اسلامی ۱۳۸۳ شماره ۳۲)

لزوم عدالت برای امامت جمعه در فقه شیعه

عدالت در امامت جماعت و جمعه، از مسلمات و اجماعیات فقه شیعه است. به گفته صاحب جواهر: «لایجوز الائتمام بالفاسق اجماعاً محصلاً و منقولاً مستفیضاً او متواتراً کالنصوص (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۲۳: ۱/ ۲۷۵ و ج ۱۱/ ۲۹۶)»

اجماع محصل و منقول

اجماع محصل و اجماع منقول (در حد استفاضه یا تواتر) و روایات مستفیض یا متواتر، همگی دلالت بر مجاز نبودن اقتدا به فاسق دارند. در این امر نه تنها فسق مانع است، بلکه عدالت شرطی است که باید محرز شود. لذا اقتدا کردن به افراد مشکوک نیز که عدالت آنها محرز نشده جایز نیست.

از امام باقر علیه السلام روایت است: «لاتصل الا خلف من تثق بدینه و امانته؛ ۴۹ تنها و تنها پشت سر کسی نماز بگزار که به دینش و امانتداری اش وثوق داشته باشی.»

از امام رضا علیه السلام نیز روایت کرده‌اند که وقتی از ایشان پرسیده شد: «رجل یقارف الذنوب

و هو عارف بهذا الامر اصلی خلفه؟؛ اگر مردی از اهل معصیت و گناه است، ولی با امامت اهل بیت آشناست و به آن معرفت دارد، آیا می‌توان به او اقتدا کرد؟» امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: «لا؛ ۵۰ نمی‌توان پشت سر فاسق، هر چند شیعه باشد، نماز گزارد.» اگر شك در عدالت یا یقین به عدم عدالت بعد از فراغ از نماز باشد، نمازهای خوانده شده صحیح است و اعاده آنها واجب نیست. (توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)؛ ج ۱، ص: ۸۷۸) و اگر چه در اشتراط عدالت امام جمعه خلافی نمی‌داند اما دور نباشد که چون متظاهر به فسق نباشد و در عدالت او شبهه باشد احوط ایقاع جمعه باشد با او با ضمیمه ظهر منفردا. و ظاهرا عدالت عبارت از حالتی است در نفس راسخه که مانع باشد از اقدام بر مخالفت الهی عمدا خواه صغیره و خواه کبیره.

و چون صغیره یا کبیره از وی به واسطه امری که مزیل آن حالت باشد به ظهور آید ظاهرا حصول عدالت ثانيا موقوف است به حصول حالت اولی نه آن که به عروض صغیره نادرا آن زائل نشود همچنانچه بعضی گفته‌اند و ظاهرا از برای ظهور این حالت بر غیر تا حکم به آن کند همین کافی باشد که او ساتر عیوب خود باشد و به معاشرت با او نحو معاشرت همسایه‌ها و اهل محله چیزی قبیح از وی ظاهر نشود یا آن که در میان خلق مشهور به اجتناب قبیح باشد و ظاهرا که شهادت دو عادل به عدالت او نیز کافی باشد

و آنچه از روایت معتبره مذکوره در ماده عدالتی که موجب قبول شهادت باشد مفهوم می‌گردد آن است که ترك نماز جماعت بی عذر قادح عدالت و موجب عدم قبول شهادت است. و عمل به آن دور از صواب نیست در ماده مذکوره و غیر آن و از کلام بعضی عمل به این و نحو این، از ترك سنن دیگر معلوم می‌گردد به شرط دلالت ترك بر تهاون به سنن و این نیز دور از صواب نیست. (مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۲۶، ص: ۲۷۶)

و جمعی ملازمت مروّت را شرط حصول عدالت دانسته‌اند و ظاهرا عمل به آن نیکوست اگر مراد از مروّت - چنانچه از علامه رحمه الله که از جمله مشرطین است (مختلف الشیعه، علامه حلی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۸، ص ۵۰۱). ظاهر می‌شود - چیزی باشد که ترك آن دلالت سخافت رأی و قلت مبالات و بی باکی کند.

نتیجه

۱. نماز جمعه قبل از هجرت و در سال دوازدهم بعثت در مکه تشریح شد
۲. نماز جمعه در فقه امامیه دارای احکام مخصوص به خودش می‌باشد و در بین اندیشمندان فقهای مذاهب مختلف اسلامی، اختلافاتی در این احکام وجود دارد
۳. بسیاری از فقهای ادوار میانی و متأخر شیعه به فتوای وجوب تخییری قائل‌اند، از جمله مُحقق حلی، علامه حلی
۴. حضرت امام خمینی علیه السلام نماز جمعه بطور تخییر بین آن و نماز ظهر در این زمانها (یعنی عصر غیبت) واجب است و خواندن نماز جمعه افضل، و خواندن نماز ظهر احوط است
۵. و بعضی از فقهاء هم که در وجوب نماز جمعه تشکیک کرده‌اند و احتمال حرمت داده‌اند بر همین اساس است که نماز جمعه اختصاص به امام معصوم یا اذن خاص از قِبَل او دارد.
۶. یکی از دلایل که فقهاء امامیه به آن استناد نموده برای اثبات نماز جمعه آیه مبارکه نهم از سوره جمعه است
۷. فقهای مذاهب مالکی، شافعی، حنبلی و ظاهری، نماز جمعه را منصب نمی‌دانند.
۸. حنفیان، بدان قائل‌اند، حضور سلطان برای امامت نماز جمعه یا نایب او یا کسی است که از سلطان اجازه اقامه نماز جمعه را داشته باشد؛ حتی حضور یا اجازه حاکم ستمگر این شرط را برآورده می‌سازد.
۹. چهار مذهب فقهی معروف اهل سنت گویا بر این مطلب اتفاق نظر دارند که برای امامت جمعه، عدالت شرط نیست و افراد فاسق نیز می‌توانند امامت این نماز را بر عهده گیرند.
۱۰. عدالت در امامت جماعت و جمعه، از مسلمات و اجماعیات فقه شیعه است.

کتابنامه

- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم، **البحر الرائق شرح كنزالدقائق**، بیروت، ۱۹۹۷/۱۴۱۸.
- ابن اثیر، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، ۱۳۸۵-۱۳۸۶ق/۱۹۶۵-۱۹۶۶
- تهرانی، سید محمد حسین حسینی، **ولایت فقیه در حکومت اسلام**، انتشارات علامه طباطبائی، مشهد - ایران، دوم، ۱۴۲۱ ه ق
- جمعی از مؤلفان، **مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)** (فارسی) مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، قم - ایران، اول، ه ق
- حلی، مقداد بن عبد الله سیوری - مترجم: بخشایشی، عبد الرحیم عقیقی، **کنز العرفان فی فقه القرآن ترجمه**، قم - ایران، اول، ه ق
- حلی، ابن ادریس، **کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم ۱۴۱۰-۱۴۱۱.
- خطیب شربینی، محمد بن احمد، **مغنی المحتاج**، بی جا، دارالفکر، بی تا.
- خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، **تحریر الوسيلة - ترجمه**، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۲۱، ۱۴۲۵ ه ق
- رضانژاد، عزالدین، **صلاة الجمعة**، دراسة فقهية و تاريخية، قم ۱۴۱۵.
- سرخسی، محمد بن احمد شمس الانمه، **المبسوط قاهره**، ۱۳۲۴-۱۳۳۱، چاپ افست استانبول، ۱۹۸۳/۱۴۰۳.
- سلار ديلمی، حمزه بن عبدالعزيز، **المراسم العلوية في الاحكام النبوية**، چاپ بیروت، ۱۹۹۴/۱۴۱۴.
- شیرازی، ناصر مکارم، **استفتاءات جدید (مکارم)** انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق
- صدوق من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- طوسی تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن خراسان، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
- طباطبائی، علی بن محمد علی، **ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل**، بیروت، ۱۴۱۲-۱۹۹۳-۱۹۹۲/۱۴۱۴.
- علم الهدی، علی بن حسین، **رسائل الشریف المرتضی**، چاپ مهدی رجائی، قم ۱۴۰۵-۱۴۱۰.

کلینی، کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ق
گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، استفتاءات (بهجت)، دفتر حضرت آیه الله بهجت، قم - ایران،
اول، ۱۴۲۸ ه ق

فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام، چاپ سنگی تهران ۱۲۷۱-۱۲۷۴، چاپ افست قم
۱۴۰۵ ق.

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، رساله توضیح المسائل قم - ایران، صد و چهاردهم، ۱۴۲۶ ق
منتظری، حسین علی، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر، تقریرات درس آیه الله
بروجردی، قم ۱۳۶۲ ش.

مصطفی جعفر پیشه منصب امامت جمعه و مذاهب اسلامی حکومت اسلامی ۱۳۸۳ شماره ۳۲
نسائی، احمد بن علی، سنن النسائی، بشرح جلال الدین سیوطی و حاشیه نورالدین بن
عبدالهادی سندی، استانبول، ۱۹۸۱/۱۴۰۱.